

هُوَاللّٰه-ای یاران عزیز عبدالبهاء نامه ئی بشیراز مرقوم...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



هُوَاللّٰه

ای یاران عزیز عبدالبهاء¹ نامه ئی بشیراز مرقوم گردید سوادش در جوف است ملاحظه نمائید و انتشار دهید از بدایت انقلاب طهران بجمیع اطراف علی الخصوص ارض طاعلان شد که حزب الله را در امور سیاسی مدخلی نه و از حکومت عالم شکر و شکوه ئی نیست از جمیع احزاب در کناریم و با چشم اشکار از برای کلّ امم و ملل فضل و موهبت پروردگار طلبیم. نه با مشروطه طلبان همدیم و همراز و نه با استقلالیان همقدمیم و هم آواز. بیطرفیم و بیغرض و خیر خواه بیزد و بیعوض بنفحات قدس مشغولیم و بانجذابات روح انس مألوف از جهان و جهانیان بیخبریم و سرمست جام سرشار کوثر. مأمور باطاعت حکومتیم و بیزار از هر نزاع و خصومت.

باید یاران سبب الفت عالم انسانی گردند و مروج اتحاد و یگانگی اقوام و ملل بنفس رحمانی شوند. الحمدلله یاران نگاره گرفتند و بحزنی از احزاب تقرب نجستند در حق کل دعا نمودند و بقدر امکان در خیر خواهی جمیع فرق کوشیدند تا آنکه آنچه از فم میثاق صادر در عالم وجود آشکار و ظاهر گردید و جمیع دانستند که این قلم مؤید است و این قلب مؤانس. الطاف اسم اعظم ولی از قرار معلوم بعضی بد خواهان مشئوم خواسته‌اند که بیطرفی یارانرا مشتبّه نمایند و در السن و افواه انداخته‌اند که بهائیان حزب استبدادند و دشمن مشروطه طلبان قلع و قمع مجلسیان خواهند و زجر و دفع حرّیت طلبان جویند.

¹ طهران اعضاء محفل روحانی علیهم بهاء الله الاهی



ORIGINAL



AUDIO

سبحان الله باوجود آنکه میرزا فضل الله نوری و سید علی بر سر منابر فریاد میکردند و تحریراً انتشار میدادند منشورشان مطبوع و موجود و مضمون آنکه مجلس را بهائیان ترتیب دادند و مقصودشان حریت ادیانست تا کتب و الواح جمال مبارک و زیر و صحف حضرت اعلی و مکاتیب عبدالبهاء را بکمال آزادی طبع نموده انتشار دهند و ترویج امر بهائی کنند. با وجود این اعلان صریح باز کار مشتبه شده و اراجیف در افواه افتاده حیف صد حیف که تابلحال عموم ندانسته اند که بهائیان را همت بلند است و مقاصد ارجمند این گونه منازعات را سزاوار نفوس عادی دانند اندیشه های عالم بشری شمردن باری ما را با احزاب نه الفتی ونه کلفتی زیرا در نظر یاران الهی منازعات کشوری از سیاسی و مذهبی از اهمیت بکلی عاری. مست دیدارند و آشفته و فریفته آن زلف مشکجار هر ذکری دون اوصاف آن خفی الالطاف را ملعبه صبیان شمردیم و اوهام و افکار کود کان دانیم. دیگر چگونه خویش را باین منازعات جزئیّه و مباینات فطرّیه آوده نمائیم.

باری یاران باید کل را تفهیم کنند که ما خیر خواه عمومیم. و یخبر از افکار موهوم تا توانیم اساس الفت بنهیم و بین الادیان و الامم دفع کلفت کنیم صلح عمومی طلبیم و راستی و دوستی و آشتی بین شعوب و قبائل خواهیم. این است مسلک بهائیان این است طریق روحانیان و آنچه از قلم میثاق صادر مرهون بعدل و انصاف است و مشروط بعنایت الطاف اگر نصوص الهیه مجری گردد ثابت و برقرار است. و الا یفعل الله ما یحبّ و یشاء نفوس هر چند پرخاش جویند و جسور و بیباکند ولی باید فکر راحتی نمود و اسباب سهولتی فراهم آورد چشم از قصور پوشید و گناه نادانان بخشید و اسباب امنیت عمومی فراهم آورد و راحت و آسایش کل را خواست. این است طریق فلاح این است سبیل نجات ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم باری شما بیطرفی خویش را بیان کنید و خیر خواهی عمومی را واضح و عیان نمائید و بنشر نفعات الله پردازید و وقت آن آمد که بکمال همت یحیائیا را بنهایت مهربانی بظلم ربّانی کشید

و همچنین هر نفس چون نفس دیگری تبلیغ نماید مستور دارد و ابداً قطعاً افشا نکند علی الخصوص بزرگانرا باید بسیار محافظه نمود و متحیزان و متمیزانرا بنهایت باید مکتوم داشت الآن بسیاری از نفوس مهمه آرزوی دخول درظلم حق دارند ولی از افشا و شهرت میترسند اگر بدانند مکتوم و محفوظ میمانند متتابعاً اقبال کنند این مسئله را بسیار مهم شمرد و باولیاء امور و حضرت شهریار نهایت صداقت و خیرخواهی مجری دارید و اطاعت و حسن نیت منظور دارید ولی در امور سیاسی قطعاً مداخله ننمائید و علیکم البهاء الابهی. ع ع

